





سیاست‌های حمایتی باید به‌طور هم‌زمان دو گروه متمایز را پوشش دهد: نخست، واحدهای تولیدی آسیب‌دیده از جنگ که متحمل خسارات مستقیم یا غیرمستقیم شده‌اند و دوم، واحدهای تولیدی فعال که علی‌رغم تداوم فعالیت، تحت تأثیر اختلالات محیطی و ساختاری ناشی از شرایط جنگی قرار گرفته‌اند.

کوتاه‌مدت و همچنین چشم‌انداز میان‌مدت بنگاه‌ها بر جای گذاشت. یکی از مهم‌ترین ابعاد این بحران، اختلال در نظام تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی، بویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEها) بوده است. در این دوره، بسته شدن مرزها، اعمال محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های صادراتی و در برخی موارد توقف کامل فرایندهای صادرات، موجب شد فعالان اقتصادی با زیان‌های قابل‌توجهی مواجه شوند. این شرایط نه‌تنها جریان درآمدی بنگاه‌ها را مختل کرد، بلکه دسترسی آن‌ها به منابع مالی و سرمایه در گردش را نیز با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخته است. بر اساس رصد و ارزیابی‌های میدانی انجام‌شده در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان در بازه زمانی پس از جنگ رمضان و هم‌زمان با تداوم محاصره دریایی، داده‌های حاصل از بررسی ۱۱۰ بنگاه اقتصادی گردآوری گردید. با توجه به ملاحظات ناظر بر حفاظت اطلاعات، نتایج به‌صورت تجمیعی



بهنام بنی‌اسدی

کارشناس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی
اتاق بازرگانی کرمان

در پی تشدید تنش‌های نظامی میان ایران و رژیم اسرائیل که در اسفندماه و هم‌زمان با ماه مبارک رمضان رخ داد، اقتصاد کشور با شوک‌های قابل‌توجهی مواجه شد. این تحولات، آثار گسترده‌ای بر فعالیت‌های اقتصادی در



نمودار شماره (۱):

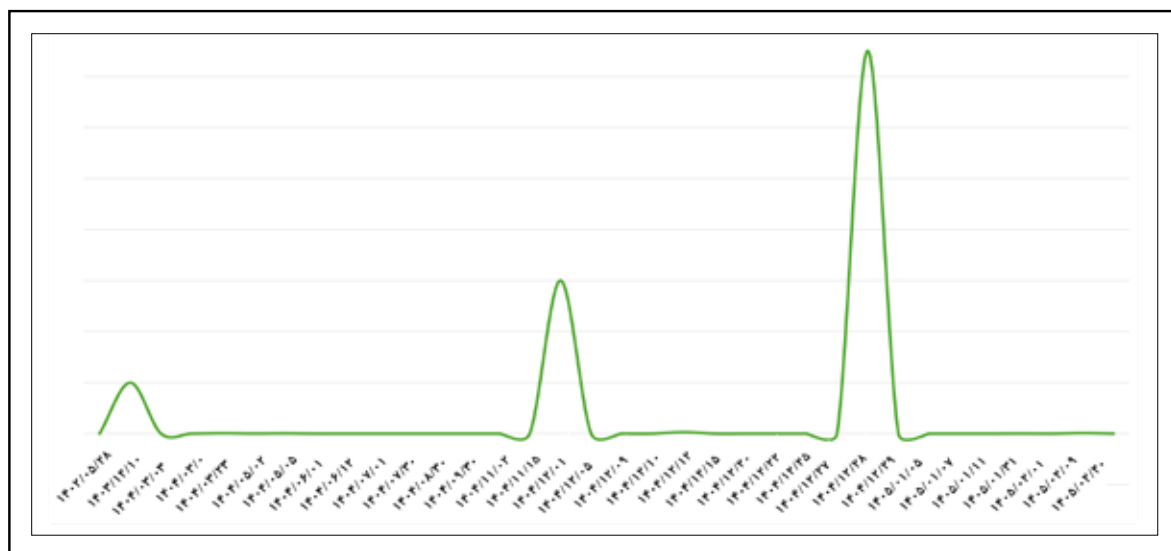
حمایت‌های درخواستی
فعالان اقتصادی از دولت
پس از جنگ رمضان





و با اعمال ملاحظات افشای حداقلی ارائه شده است. یافته‌های حاصل از این رصد اطلاعاتی مطابق نمودار شماره (۱) نشان داده است که مشکل نقدینگی، بویژه در بنگاه‌های کوچک و متوسط، به عنوان یکی از مهم‌ترین و فراگیرترین چالش‌های عملیاتی مطرح بوده است. در این تحلیل نوع درخواست‌های حمایتی ارائه شده از سوی بنگاه‌ها، مشخص گردید که در میان طیفی از حمایت‌های مورد انتظار شامل مشوق‌های صادراتی، تأمین انرژی، تعویق/تقسیم مالیاتی و حمایت‌های حوزه تأمین اجتماعی و... تأمین سرمایه در گردش بالاترین سهم تقاضا را به خود اختصاص داده است؛ به گونه‌ای که ۴۲ درصد از کل درخواست‌ها به این حوزه مربوط بوده است. این تمرکز بالای تقاضا بر سرمایه در گردش، دلالت بر آن دارد که بنگاه‌ها در اثر شوک‌های ناشی از شرایط جنگی و محدودیت‌های تجاری با اختلال جدی در جریان نقدی و چرخه عملیاتی خود مواجه شده‌اند. به بیان دیگر، مسئله اصلی بقای کوتاه مدت و تداوم فعالیت بنگاه‌ها بوده است.

از منظر سیاست‌گذاری، یافته‌های مزبور دلالت بر آن دارد که بسته‌های حمایتی دولتی در پاسخ‌گویی مؤثر به نیازهای فوری نقدینگی بنگاه‌ها، با نوعی ناکارآمدی نسبی مواجه بوده‌اند. این عدم کفایت را می‌توان ناشی از مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و اجرایی دانست؛ از جمله عدم انطباق زمانی مداخلات با شدت و فوریت بحران، پیچیدگی و اطاله در فرایندهای دسترسی به تسهیلات و نیز تمرکز ناکافی بر ابزارهای تأمین مالی سریع الوصول و متناسب با شرایط اضطراری. یکی دیگر از محورهای حائز اهمیت در رصد اطلاعاتی انجام شده، مسئله تعهدات ایفا نشده (مطالبات معوق) بنگاه‌های اقتصادی از سوی شرکت‌های بزرگ و بخش دولتی است. بر اساس برآوردهای صورت گرفته در بازه زمانی ۱۴۰۲/۰۵/۲۸ لغایت ۱۴۰۵/۰۲/۰۹، حجم این مطالبات بالغ بر ۸۰۵ همت برآورد شده است که رقم قابل توجهی در ساختار مالی بنگاه‌ها محسوب می‌شود. تحلیل توزیع زمانی این مطالبات در نمودار شماره (۲)



نمودار شماره (۲): سری زمانی مقدار مطالبات شرکت‌های کوچک و متوسط از دولت/شرکت‌های بزرگ^۱

۱- به دلیل ملاحظات ناظر بر حفاظت اطلاعات، بخشی از جزئیات داده‌ها از جمله مقیاس دقیق محور عمودی (Axis) در نمودار مربوطه ارائه نگردیده و اطلاعات به صورت تجمیعی و تعدیل شده منعکس شده است.



از حیث توزیع جغرافیایی اشتغال، حدود ۸۰ درصد از اشتغال هدف در چند شهرستان اصلی متمرکز بوده است. به طور مشخص، شهر کرمان با ۱۳۳۸ نفر بیشترین سهم را در حفظ اشتغال داشته و پس از آن شهرستان سیرجان با ۳۶۲ نفر، رفسنجان با ۱۳۴ نفر، جیرفت با ۷۰ نفر و بم با سهم کمتر (۲۰ نفر) در این فرایند قرار گرفته اند.

نشان می دهد که بخش عمده عدم وصولی ها مربوط به مقطع زمانی پایان سال مالی بویژه ۲۸ اسفندماه، بوده است. این تمرکز زمانی را می توان ناشی از تشدید شرایط جنگی و افزایش فشارهای ناشی از آن و در نتیجه کاهش سطح فعالیت های اقتصادی و رکود کسب و کارها دانست. از منظر تحلیلی، انباشت مطالبات معوق در چنین ابعادی می تواند به عنوان یکی از عوامل تشدیدکننده بحران نقدینگی در بنگاه ها تلقی گردد؛ به گونه ای که تأخیر در ایفای تعهدات توسط بازیگران بزرگ اقتصادی و نهادهای دولتی عملاً منجر به انتقال ریسک نقدینگی به سطوح پایین تر زنجیره تأمین شده و پایداری عملیاتی بنگاه های کوچک و متوسط را با تهدید مواجه می سازد.

در ادامه این مقاله، بسته های حمایتی دولت بویژه مصوبات ستاد تسهیل و رفع موانع تولید از منظر ادراک و تجربه فعالان اقتصادی بخش خصوصی، مورد بررسی قرار گرفته و تلاش شده است با رویکردی تحلیلی، میزان اثربخشی، کارایی و انطباق آن ها با نیازهای واقعی بنگاه ها تبیین گردد.

اما در واکنش به وضعیت ایجاد شده در کشور، دولت در فروردین ماه ۱۴۰۵ دستورالعمل حمایت از حفظ اشتغال بنگاه های اقتصادی در شرایط اضطرار را به همراه فهرست

رسته های فعالیت های مشمول حمایت، متناسب با میزان آسیب دیدگی استان ها ابلاغ کرد. این بسته حمایتی با هدف صیانت از تولید و اشتغال، بنگاه های دارای ۲ تا ۵۰ نفر نیروی کار را هدف قرار داده و عمدتاً در قالب اعطای تسهیلات سرمایه در گردش کوتاه مدت طراحی شده است. میزان تسهیلات اعطایی به ازای هر فرد شاغل بر مبنای لیست بیمه بهمن ماه ۱۴۰۴ برای همراه معادل ۲۲۰ میلیون ریال در نظر گرفته شده است؛ رقمی که تقریباً معادل حداقل حقوق ماهانه یک نیروی کار طبق قانون کار است. این حمایت به صورت دوماهه (برای حقوق فروردین و اردیبهشت) تعریف شده و در مجموع به ۴۴۰ میلیون ریال به ازای هر شاغل می رسد. با این حال، طراحی این سازوکار با چند چالش اساسی همراه است که کارآمدی آن را در شرایط بحرانی زیر سؤال می برد:

«**نخست**، عدم مشارکت مؤثر بخش خصوصی در فرایند تدوین دستورالعمل است. نبود مشورت با فعالان اقتصادی موجب شده برخی از مفروضات سیاستی با واقعیت های عملی بنگاه ها همخوانی نداشته باشد،

«**دوم**، محدود بودن افق زمانی حمایت ها است. در حالی که شرایط بحرانی ماهیتی نامطمئن و بعضاً بلندمدت دارد، این بسته صرفاً دو ماه ابتدایی بحران را

جدول شماره (۱): شرایط محاسبه نرخ سود تسهیلات

میزان تعهد حفظ اشتغال	نرخ سود سالانه
حفظ ۸۰ تا ۱۰۰ درصد اشتغال تا پایان خرداد ۱۴۰۵	۲۳ درصد
حفظ ۱۰۰ درصد اشتغال تا پایان خرداد ۱۴۰۵	۱۸ درصد (با ۵ درصد یارانه دولتی)
در صورت حفظ کمتر از ۸۰ درصد اشتغال در پایان خردادماه ۱۴۰۵ یا انحراف در هزینه کرد تسهیلات اعطایی و یا هرگونه تخلف که به تأیید وزارت امور اقتصادی و دارایی برسد	۳۵ درصد (دریافت اصل، سود و جریمه به صورت یکجا)





پوشش می‌دهد و هیچ‌گونه شفافیتی نسبت به تداوم یا تمدید حمایت‌ها تا پایان وضعیت اضطرار ارائه نمی‌کند، **« سوم، اخذ تعهدات سخت‌گیرانه برای حفظ اشتغال در شرایط عدم قطعیت بالا است. بر اساس الزامات تعیین‌شده در جدول شماره (۱)، بنگاه‌ها ملزم به حفظ سطح اشتغال تا پایان خردادماه هستند، درحالی‌که در فضای بی‌ثبات اقتصادی، افق برنامه‌ریزی بنگاه‌ها به شدت کوتاه مدت می‌شود و امکان پیش‌بینی جریان درآمدی و هزینه‌ای وجود ندارد.**

بالین حال، شروع اجرای این سیاست که از اواخر فروردین‌ماه آغاز و تا اوایل اردیبهشت‌ماه ادامه یافت با چالش‌های متعددی همراه بوده که خود به یکی از مسائل قابل‌تأمل در کارآمدی سیستم تأمین مالی در شرایط بحرانی تبدیل شده است. منابع مالی این بسته حمایتی از محل اعتبارات پیش‌بینی‌شده در تبصره ۱۵ قانون بودجه سال ۱۴۰۴ کل کشور تأمین‌شده است. این چارچوب نشان می‌دهد که سیاست‌گذار در عین ارائه حمایت مالی، ریسک قابل‌توجهی را به بنگاه‌ها منتقل کرده است. به بیان دیگر، بنگاه‌ها در شرایطی که با عدم قطعیت شدید در سمت تقاضا، اختلال در زنجیره تأمین و محدودیت‌های عملیاتی مواجه هستند، باید تعهدات نسبتاً سختی را برای حفظ اشتغال بپذیرند. مسئله کلیدی آن است که در شرایط بحران، کاهش افق برنامه‌ریزی بنگاه‌ها یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر است. در چنین فضایی، انتظار برنامه‌ریزی تا پایان خردادماه برای حفظ سطح مشخصی از اشتغال، بدون تضمین تداوم حمایت‌ها یا بهبود شرایط محیطی، عملاً تصمیم‌گیری را برای بنگاه‌ها با ابهام جدی مواجه می‌کند.

در نتیجه، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا می‌توان در شرایط بی‌ثبات و پیش‌بینی‌ناپذیر، تعهداتی از بنگاه‌ها اخذ کرد، بدون آنکه ابزارهای حمایتی متناسب با این سطح از عدم قطعیت طراحی شده باشد؟

از دیگر چالش‌های قابل‌طرح، تأخیر در طراحی و ابلان بسته‌های حمایتی برای بنگاه‌های بزرگ‌تر (با بیش از ۵۰ نفر اشتغال) است؛ درحالی‌که این دسته از بنگاه‌ها نیز سهم قابل‌توجهی در زنجیره تولید و اشتغال کشور دارند و در شرایط بحران با ریسک‌های جدی مواجه می‌شوند (بر اساس اعلام دولت، سقف تسهیلات در نظر گرفته‌شده برای بنگاه‌های با بیش از ۵۰ نفر اشتغال معادل ۱۰ میلیارد تومان با دوره بازپرداخت دوساله تعیین شده است). **در چارچوب این سیاست حمایتی، بسته‌های فعالیت بر اساس طبقه‌بندی درگاه ملی مجوزها و با توجه به شدت آسیب‌دیدگی ناشی از شرایط بحرانی، در سه گروه اصلی دسته‌بندی شده‌اند:**

« گروه الف (آسیب‌دیدگی بالا): شامل فعالیت‌هایی با بیشترین میزان تأثیرپذیری از بحران، نظیر حمل‌ونقل هوایی، حمل‌ونقل آبی، سایر بخش‌های وابسته به تجارت بین‌الملل و...،

« گروه ب (آسیب‌دیدگی متوسط): شامل بخش‌هایی مانند تولید محصولات کشاورزی و دامی، تولید پوشاک و برخی فعالیت‌های تولیدی با وابستگی متوسط به زنجیره تأمین، بازارهای صادراتی و...،

« گروه ج (آسیب‌دیدگی پایین): شامل فعالیت‌هایی با کمترین میزان تأثیرپذیری نسبی، از جمله ماهیگیری، آبی‌پروری، همچنین استخراج کانه‌های فلزی و... .

این نوع دسته‌بندی، اگرچه در ظاهر به هدفمندسازی حمایت‌ها کمک می‌کند، اما در عمل می‌تواند با چالش‌هایی در تعیین دقیق میزان آسیب‌دیدگی و توزیع عادلانه منابع مواجه شود.

بسته حمایتی یادشده، در استان‌های کشور نیز بر اساس میزان آسیب‌پذیری کسب‌وکارها در سه سطح طبقه‌بندی شده‌اند:

« سطح الف (بیشترین آسیب‌دیدگی): شامل استان‌های تهران، قم، البرز، بوشهر، هرمزگان و کرمانشاه،



کشور در شرایط جنگ اقتصادی تحمیلی قرار دارد و در چنین وضعیتی، صیانت از حقوق عمومی، ضرورت حفظ توان تولید و حمایت از تداوم فعالیت و اشتغال، مستلزم همکاری مؤثر مراجع قضایی با ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و کارگروه‌های ذی ربط است.

اصفهان به عنوان یکی از قطب‌های صنعتی کشور با تمرکز بالای صنایع بزرگ، زنجیره‌های تأمین پیچیده و وابستگی قابل توجه به بازارهای داخلی و خارجی، در شرایط بحران به شدت در معرض اختلال قرار می‌گیرد. در مقابل، کرمان اگرچه دارای ظرفیت‌های معدنی و صنعتی مهمی است، اما ساختار اقتصادی آن از نظر تنوع فعالیت‌ها و شدت درگیری در زنجیره‌های صنعتی، تفاوت‌های معناداری با اصفهان دارد. از این منظر، یکسان‌سازی سطح آسیب‌دیدگی این دو استان می‌تواند نشان‌دهنده ضعف در شاخص دقیق، عدم لحاظ تفاوت‌های بخشی و یا استفاده از معیارهای کلی و غیر پویا در سیاست‌گذاری باشد. این مسئله در نهایت می‌تواند به تخصیص غیر بهینه منابع مالی و کاهش اثربخشی مداخلات حمایتی منجر شود.

« سطح ب (آسیب‌دیدگی متوسط): شامل استان‌هایی نظیر اصفهان، فارس، آذربایجان شرقی و غربی، ایلام، زنجان، کرمان، کردستان، یزد، همدان، خوزستان، قزوین، لرستان، مرکزی و کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری، « سطح ج (کمترین آسیب‌دیدگی): شامل استان‌های خراسان رضوی، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، گلستان، گیلان، مازندران، سیستان و بلوچستان، اردبیل و سمنان. با این حال، یکی از پرسش‌های اساسی در این زمینه، میزان دقت و کارآمدی این سطح‌بندی از منظر توزیع جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی و تفاوت در ساختارهای تولیدی آسیب‌پذیر استان‌ها است؛ به‌طور مشخص، قرار گرفتن استان‌هایی مانند اصفهان و کرمان در یک سطح از آسیب‌دیدگی، محل تأمل جدی است.

جدول شماره (۲): سازوکار تخصیص منابع بر اساس رسته و سطح‌بندی استان

استان‌های با کمترین آسیب (ج)	استان‌های با آسیب متوسط (ب)	استان‌های با بیشترین آسیب (الف)	تهران	رسته / سطح استان
تأیید سامانه	تأیید سامانه	تأیید سامانه	تأیید سامانه	رسته با آسیب‌پذیری زیاد
رد در سامانه (در صورت درخواست بررسی مجدد متقاضی پس از اجازه دبیرخانه ملی به استان، امکان بررسی در دبیرخانه استانی وجود خواهد داشت.)	رد در سامانه (در صورت درخواست بررسی مجدد متقاضی در دبیرخانه استانی بررسی می‌شود.)	تأیید در سامانه	تأیید سامانه	رسته با آسیب‌پذیری متوسط
رد در سامانه (در صورت درخواست بررسی مجدد متقاضی پس از اجازه دبیرخانه ملی به استان، امکان بررسی در دبیرخانه استانی وجود خواهد داشت.)	رد در سامانه (در صورت درخواست بررسی مجدد متقاضی پس از اجازه دبیرخانه ملی به استان، امکان بررسی در دبیرخانه استانی وجود خواهد داشت.)	رد در سامانه (در صورت درخواست بررسی مجدد متقاضی در دبیرخانه استانی بررسی می‌شود.)	تأیید سامانه	رسته با آسیب‌پذیری کم



یکی دیگر از عارضه‌های قابل توجه در طراحی این بسته حمایتی، سازوکار تخصیص منابع و نحوه دسترسی بنگاه‌ها به تسهیلات است که بر اساس ترکیب رسته فعالیت و سطح آسیب‌دیدگی استان تعریف شده است. این سازوکار در عمل، فرایند دریافت تسهیلات را با پیچیدگی‌های اجرایی قابل توجهی مواجه کرده است. جدول شماره (۲) چارچوب کلی این سازوکار را نشان می‌دهد:

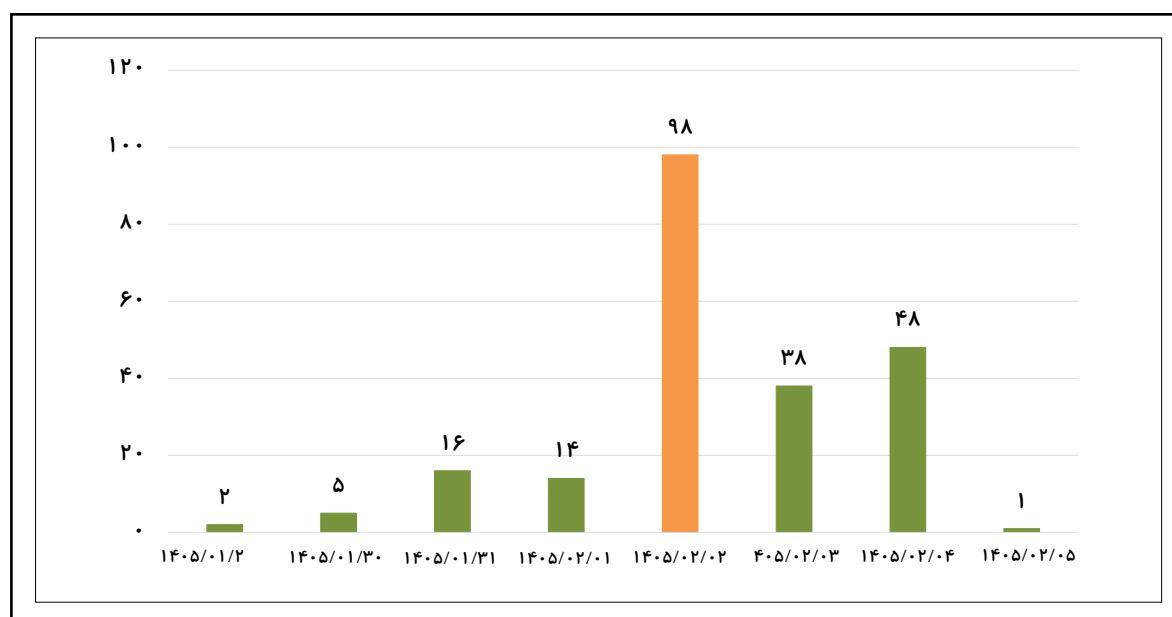
به‌عنوان مثال، در بسیاری از رسته‌ها، بنگاه‌های مستقر در استان کرمان (که در سطح آسیب متوسط طبقه‌بندی شده‌اند) صرفاً در یک حالت، در صورت ثبت درخواست، امکان دسترسی به تسهیلات را دارند. در حالت‌های دیگر موارد این فرایند به ارجاع به دبیرخانه‌های استانی و ملی منتهی می‌شود.

این تفاوت در رویه‌ها، چند پیامد مهم به همراه دارد:

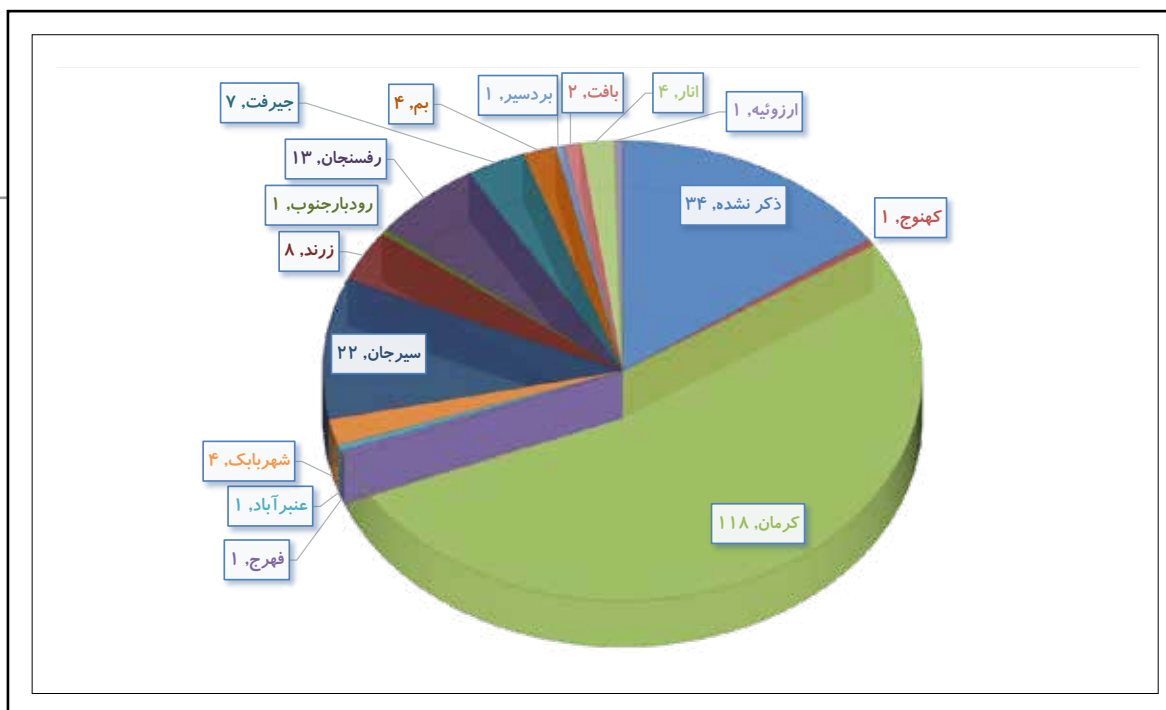
«**نخست**، افزایش قابل توجه حجم کاری دبیرخانه‌های استانی و ملی که می‌تواند منجر به کندی در رسیدگی به درخواست‌ها و ایجاد گلوگاه اجرایی شود،

«**دوم**، افزایش عدم قطعیت برای فعالان اقتصادی؛ چراکه دریافت تسهیلات وابسته به فرایندهای اداری چندلایه و بعضاً زمان‌بر می‌شود،

«**سوم**، کاهش اثربخشی سیاست حمایتی در شرایط بحرانی، زیرا در چنین شرایطی، سرعت در تأمین مالی از اهمیت حیاتی برخوردار است. در مجموع، می‌توان گفت که اگرچه این سازوکار با هدف هدفمندسازی تخصیص منابع طراحی شده است، اما در عمل، پیچیدگی‌های اجرایی آن می‌تواند دسترسی سریع بنگاه‌ها را با اختلال مواجه سازد. در ادامه، به‌منظور ارزیابی عملکرد اجرایی این بسته حمایتی، تحلیل آماری داده‌های ثبت‌شده در سطح استان مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس اطلاعات اخذ شده از اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان در بازه زمانی ۱۴۰۵/۰۷/۲۹ تا ۱۴۰۵/۰۲/۰۵، در مجموع ۲۲۲ درخواست از سوی فعالان اقتصادی در سامانه جامع کسب‌وکار، اشتغال و تسهیلات (کات) به ثبت رسیده است. مطابق نمودار شماره (۳) بررسی



نمودار شماره (۳): تاریخ ارسال پرونده‌های ثبت شده در سامانه کات به مؤسسات عامل



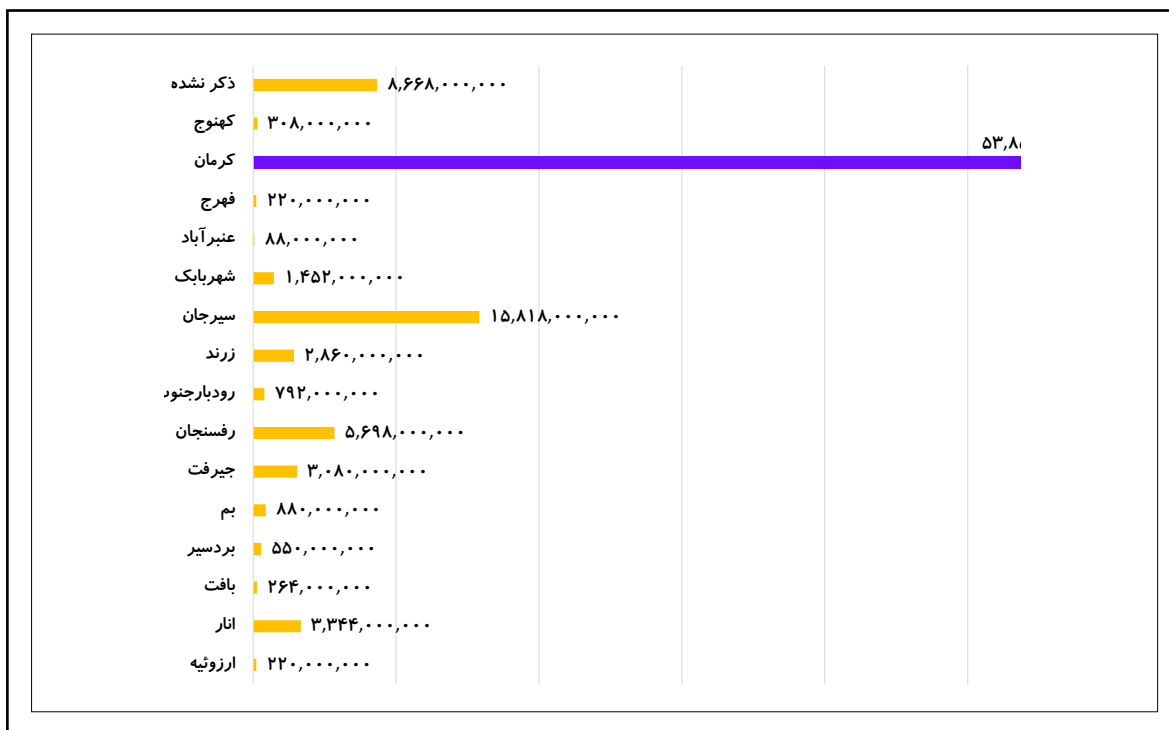
نمودار شماره (۴): توزیع جغرافیایی بنگاه‌های اقتصادی ثبت‌نام کرده در سامانه کات

که هر یک تنها حدود ۲۲۰ میلیون تومان سهم داشته‌اند. با واکاوی دقیق‌تر وضعیت پرونده‌های ارجاعی به بانک‌های استان می‌توان تصویر روشن‌تری از نحوه توزیع تسهیلات میان بانک‌ها ارائه داد. بر اساس نمودار شماره (۶)، از مجموع ۲۲۲ پرونده ثبت‌شده، ۵۳ پرونده به بانک ملت ارجاع شده است که بر اساس برآوردهای انجام‌شده، این بانک مکلف به پرداخت ۲۰ میلیارد و ۹۴۴ میلیون تومان تسهیلات می‌باشد. در رتبه بعد، بانک ملی قرار دارد که ۵۰ پرونده به آن ارجاع شده و میزان تسهیلات قابل پرداخت آن ۱۷ میلیارد و ۹۹۶ میلیون تومان تعیین شده است. در ادامه، بانک‌های صادرات ایران، رفاه کارگران و تجارت در رتبه‌های بعدی قرار دارند. نکته مهم در این میان آن است که بانک صادرات ایران علی‌رغم برخورداری از تعداد پرونده کمتر نسبت به بانک رفاه کارگران، موظف به پرداخت مبلغ بیشتری از تسهیلات شده است.

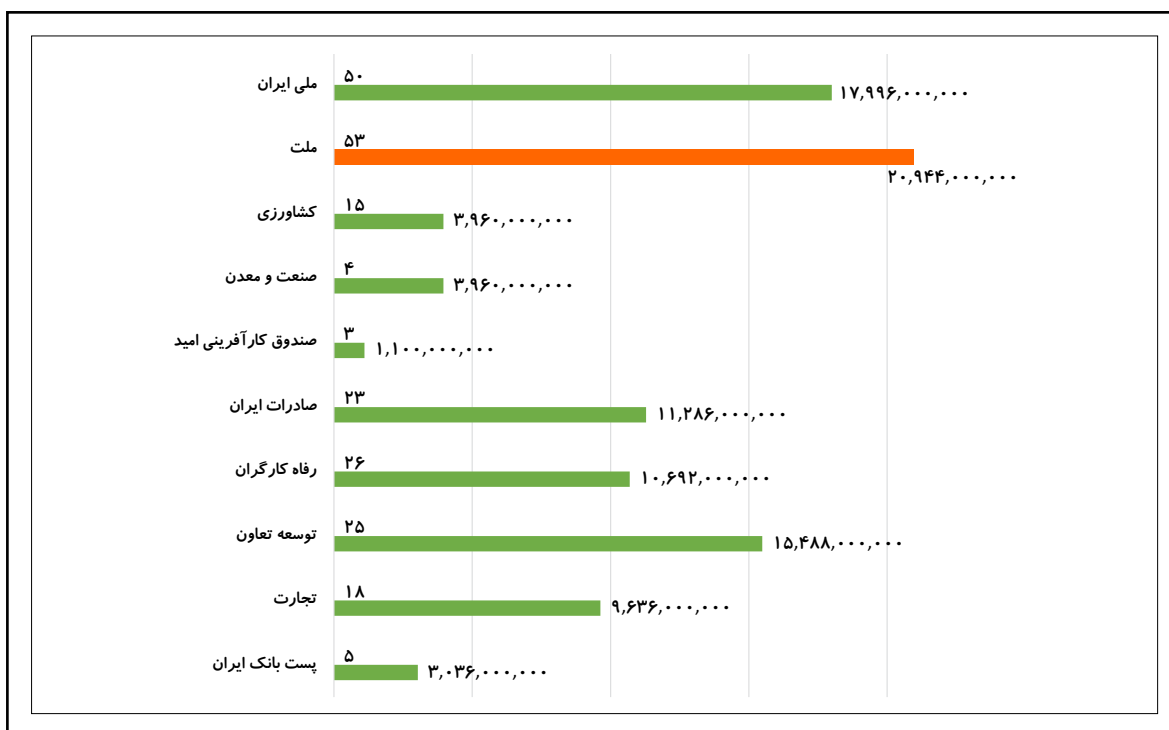
در تحلیل ماهوی تسهیلات اعطایی می‌توان بیان کرد که فلسفه اصلی این تسهیلات، نه صرفاً تأمین مالی تولید، بلکه حفظ و تثبیت سطح اشتغال موجود در شرایط اضطراری بوده است. بر این اساس، در بازه زمانی موردبررسی، مجموعاً ۲۲۷۵

روند زمانی ارجاع این درخواست‌ها نشان می‌دهد که در تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۲، تعداد ۹۸ درخواست به بانک‌ها ارسال شده که بالاترین میزان ارجاع در بازه موردبررسی محسوب می‌شود. پس از آن در تاریخ‌های سوم و چهارم اردیبهشت‌ماه نیز به ترتیب بیشترین حجم ارجاعات ثبت‌شده است. بر اساس نمودار شماره (۴) توزیع جغرافیایی درخواست‌ها در سطح استان نیز حاکی از تمرکز نامتوازن تقاضا در بازه زمانی مورد اشاره است؛ به گونه‌ای که از مجموع ۲۲۲ درخواست ثبت‌شده، ۱۱۸ درخواست مربوط به شهر کرمان بوده است. در مقابل، شهرستان سیرجان با ۲۲ درخواست و شهرستان رفسنجان با ۱۳ درخواست در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این الگو نشان‌دهنده سهم کمتر سایر شهرستان‌ها در ثبت موفق درخواست‌ها است.

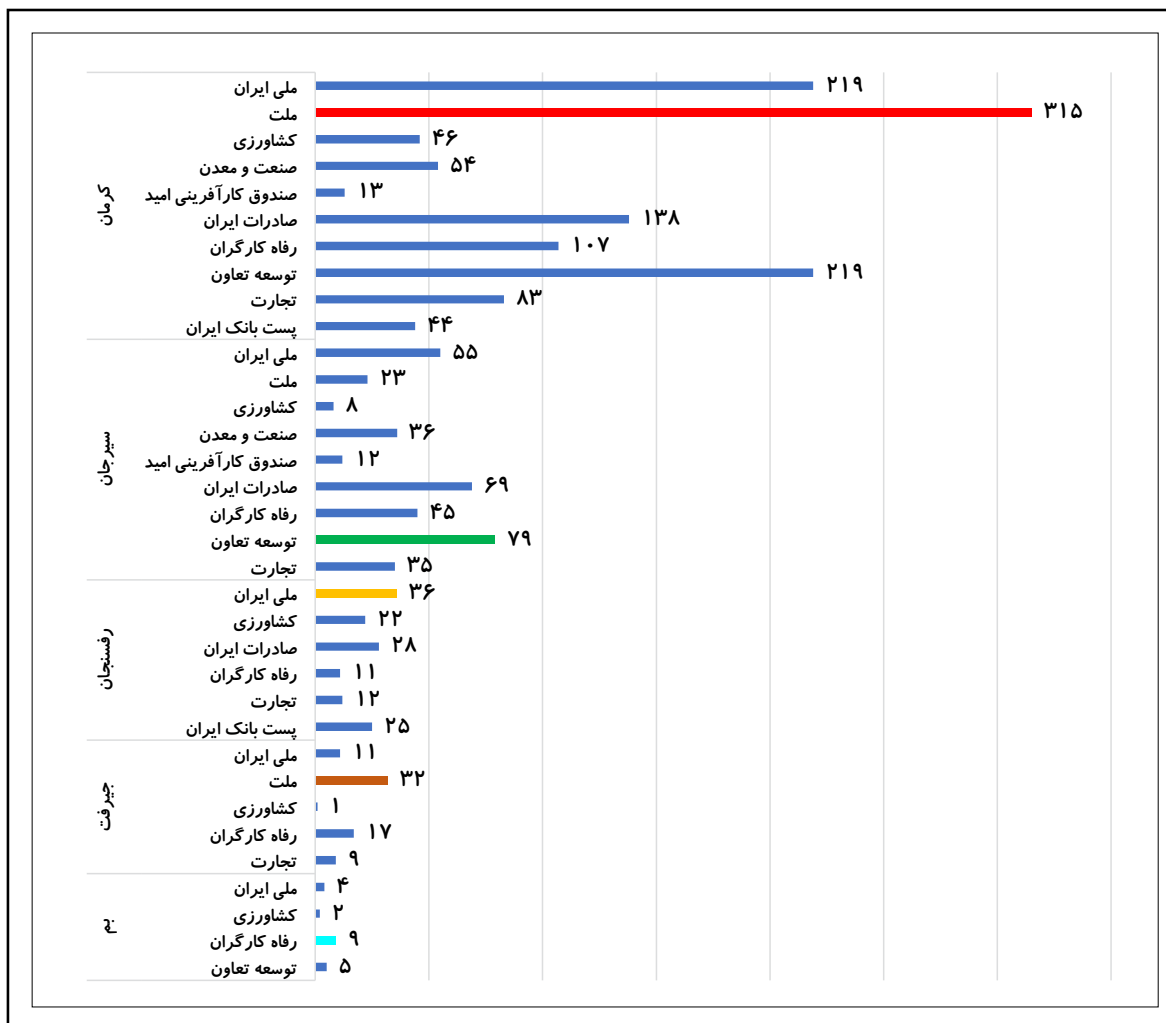
میزان تسهیلات قابل پرداخت توسط بانک‌ها، مطابق با داده‌های نمودار شماره (۵)، در مجموع معادل ۹۸ میلیارد و ۹۸ میلیون تومان برآورد شده است. در این میان، شهر کرمان با اختصاص ۵۳ میلیارد و ۸۵۶ میلیون تومان بیشترین سهم از تسهیلات را به خود اختصاص داده است. در مقابل، کمترین میزان تسهیلات مربوط به شهرستان‌های فهرج و ارزوئیه بوده



نمودار شماره (۵): میزان تسهیلات قابل پرداخت به تفکیک شهرستان‌های استان - برحسب تومان



نمودار شماره (۶): تعداد و میزان تسهیلات قابل پرداخت به تفکیک مؤسسات عامل - برحسب تومان



نمودار شماره (۷): سهم بانک‌های استان در راستای حفظ و تثبیت اشتغال به تفکیک شهرستان‌های استان

نفر اشتغال موجود تحت پوشش این تسهیلات قرار گرفته‌اند. از حیث توزیع جغرافیایی اشتغال، حدود ۸۰ درصد از اشتغال هدف در چند شهرستان اصلی متمرکز بوده است. به‌طور مشخص، شهر کرمان با ۱۲۳۸ نفر بیشترین سهم را در حفظ اشتغال داشته و پس از آن شهرستان سیرجان با ۳۶۲ نفر، رفسنجان با ۱۳۴ نفر، جیرفت با ۷۰ نفر و بيم با سهم کمتر (۲۰ نفر) در این فرایند قرار گرفته‌اند. این توزیع نشان‌دهنده تمرکز قابل توجه حفظ اشتغال در مرکز استان و چند قطب اقتصادی اصلی است. از منظر مالی، برای حفظ این سطح از اشتغال، مجموعاً ۸۰ میلیارد و ۲۵۶ میلیون تومان تسهیلات باید پرداخت شود. در بررسی نحوه تثبیت و حفظ اشتغال به تفکیک شبکه بانکی و شهرستان‌های استان، الگوی نسبتاً مشخص و متمرکزی

قابل مشاهده است که نشان‌دهنده تفاوت در نقش آفرینی بانک‌ها در مناطق مختلف است. در شهر کرمان، بانک ملت با پوشش ۳۱۵ نفر اشتغال بیشترین سهم را در پذیرش تثبیت و حفظ اشتغال به خود اختصاص داده است. پس از آن، بانک‌های تجارت و ملی هرکدام با پوشش ۲۱۹ نفر در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. در شهرستان رفسنجان، بانک صادرات ایران با پوشش ۲۸ نفر اشتغال در جایگاه اصلی قرار گرفته و بیشترین سهم را در میان شبکه بانکی این شهرستان به خود اختصاص داده است. در شهرستان سیرجان نیز بانک توسعه تعاون با پوشش ۷۹ نفر، نقش محوری در تأمین مالی و حمایت از اشتغال ایفا کرده است. در شهرستان جیرفت، بانک ملت با پوشش ۳۲ نفر بیشترین سهم را در فرایند حفظ اشتغال داشته



است، درحالی که در شهرستان بزم، بانک رفاه کارگران با پوشش ۹ نفر در جایگاه نخست قرار دارد. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده آن است که الگوی توزیع نقش بانک‌ها در شهرستان‌های مختلف یکنواخت نبوده و متأثر از ساختار اقتصادی، ترکیب بنگاه‌ها و سطح تقاضای هر منطقه است. درمجموع بر اساس نمودار شماره (۷)، این الگو حاکی از آن است که تمرکز شبکه بانکی و میزان مداخله آن‌ها در حفظ اشتغال، به‌طور قابل‌توجهی بین مرکز استان و شهرستان‌ها متفاوت بوده است.

دولت علاوه بر منابع اشاره‌شده تاکنون، منابع دیگری را نیز در نظر گرفته است که ازجمله آن می‌توان به ماده ۲۷ ضوابط اجرایی قانون بودجه^۲ سال ۱۴۰۵ اشاره کرد. در این راستا پیشنهاد می‌شود هزینه‌کرد اعتبارات مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکت‌های مشمول، در جهت بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده شهرک‌ها و نواحی صنعتی و با محوریت سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، به‌عنوان هزینه‌های قابل قبول در مراجع ذی‌ربط منظور گردد. سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران نیز بر اساس بند (ل) ماده ۲۸ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت^۳، به‌صورت سالانه از محل منابع داخلی و اعتبارات عمومی مرتبط با طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، اقدام به انعقاد قرارداد یک‌ساله با بانک‌های عامل می‌نماید و در طول سال نیز به‌طور مستمر نسبت به پرداخت تسهیلات در قالب کمک‌های فنی و اعتباری با استفاده از منابع تلفیقی

سازمان و بانک عامل به واحدهای صنعتی اقدام می‌کند. در همین راستا، در اواخر سال ۱۴۰۴ این سازمان تفاهم‌نامه‌ای با بانک صنعت و معدن منعقد نمود و در ادامه شرکت‌های استانی تابعه نیز نسبت به عقد قراردادهای مشابه با شعب استانی این بانک اقدام کردند. باین‌حال، با توجه به شرایط خاص کشور ناشی از وقوع جنگ تحمیلی، تعطیلات مرتبط با آن و همچنین عدم مبادله و ابلاغ موافقت‌نامه اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای سال ۱۴۰۴ توسط سازمان برنامه‌وبودجه در پایان سال مذکور شرکت‌های استانی شهرک‌های صنعتی موفق به واریز مبالغ تعیین‌شده به حساب بانک عامل در سطح استان‌ها نشدند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در راستای حمایت از واحدهای تولیدی آسیب‌دیده از جنگ، موضوع یادشده در اسرع وقت و با اولویت واحدهای آسیب‌دیده مورد اقدام و پیگیری قرار گیرد.

در چارچوب مصوبات ستاد تسهیل و رفع موانع تولید نیز، اقدامات قابل‌توجهی در حوزه حمایت از تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی به تصویب رسیده است. ازجمله این موارد می‌توان به مصوبات جلسات ۱۹۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۴، ۱۹۶ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۷ و ۱۹۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۳۰ اشاره نمود که هر یک درصدد پاسخ‌گویی به شرایط اضطراری ناشی از تحولات اخیر بوده‌اند. در یکی از مهم‌ترین این مصوبات با توجه به اعلام شرایط اضطرار از سوی مراجع ذی‌صلاح در بازه زمانی ۱۴۰۴/۱۲/۰۹ لغایت ۱۴۰۵/۰۳/۰۹ و در راستای جلوگیری از تعدیل نیروی انسانی، حفظ اشتغال و تأمین نقدینگی پایدار واحدهای

۲- هرگونه هزینه‌کرد با ماهیت مسئولیت اجتماعی صرفاً برای شرکت‌هایی مجاز است که در سرفصل مربوط اعتبار آن به صورت مستقل پیش‌بینی و به تصویب مجمع عمومی آنها رسیده باشد و رعایت آیین‌نامه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تحت مدیریت دولت موضوع تصویب‌نامه شماره ۶۳۵۳۸/ت/۷۲۴۷۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ الزامی است. هزینه‌کرد اعتبارات مسئولیت اجتماعی برای انجام طرح (پروژه)‌های جدید ممنوع بوده و کلیه شرکت‌های مشمول آیین‌نامه مذکور مجازند منابع مربوط به مسئولیت اجتماعی خود را با اولویت بازسازی و حمایت از آسیب‌دیدگان حملات جنگ دوازده روزه و جنگ رمضان هزینه نمایند.

۳- به دستگاه‌های اجرایی اعم از مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی اجازه داده می‌شود اعتباراتی که در پیوست قوانین بودجه سنواتی به منظور تحقق اهداف سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت بخش‌های خصوصی و تعاونی از محل بودجه عمومی و یا منابع داخلی تحت برنامه کمک‌های فنی و اعتباری پیش‌بینی شده است، برای پرداخت تسهیلات تلفیقی و یارانه سود تسهیلات به صورت وجوه اداره شده از طریق قرارداد عاملیت در اختیار بانک‌های عامل و صندوق‌های حمایتی و توسعه‌ای دولتی قرار دهند. آیین‌نامه اجرایی این بند مشتمل بر چارچوب قرارداد عاملیت، شرایط تسهیلات و میزان حمایت در قالب یارانه سود و نحوه تجهیز منابع بانکی و صندوق‌های مورد اشاره با پیشنهاد مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.



به مؤسسات اعتباری اجازه داده شده است واحدهای تولیدی تملیک شده خود را که فاقد فعالیت تولیدی و بلامعارض هستند، بدون طی تشریفات مزایده و با تأیید کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان در قالب قرارداد اجاره یک ساله و بر اساس قیمت کارشناسی رسمی دادگستری و بدون اخذ وجه قرض الحسنه (پیش پرداخت)، در اختیار واحدهای تولیدی آسیب دیده قرار دهند.

تولیدی مقرر گردیده است معادل اقساط تسویه شده واحدهای تولیدی به صندوق توسعه ملی در سال ۱۴۰۴، به عنوان سرمایه در گردش در اختیار واحدها قرار گیرد. اعطای این تسهیلات منوط به عدم تعدیل نیروی انسانی بوده و تشخیص آن بر عهده ادارات کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان ها قرار داده شده است. همچنین ذکر شده است که اجرای این مصوبه مستلزم تأیید ارکان قانونی صندوق توسعه ملی می باشد.

در مصوبه های دیگر، باهدف حمایت از واحدهای آسیب دیده از جنگ و در راستای حفظ و تثبیت تولید و اشتغال پایدار، به مؤسسات اعتباری اجازه داده شده است واحدهای تولیدی تملیک شده خود را که فاقد فعالیت تولیدی و بلامعارض هستند، بدون طی تشریفات مزایده و با تأیید کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان در قالب قرارداد اجاره یک ساله و بر اساس قیمت کارشناسی رسمی دادگستری و بدون اخذ وجه قرض الحسنه (پیش پرداخت)، در اختیار واحدهای تولیدی آسیب دیده قرار دهند. همچنین با تأیید کارگروه مذکور مدت اجاره تا سقف سه سال قابل تمدید خواهد بود. در موارد تعدد متقاضی، اولویت واگذاری بر اساس نیاز تولیدی استان یا کشور و به تشخیص کارگروه مربوطه تعیین می گردد. سازوکار اجرایی این مصوبه نیز توسط بانک مرکزی ابلاغ خواهد شد. باوجود اهمیت و کارآمدی نسبی این مصوبات در سطح سیاست گذاری، تحقق اهداف پیش بینی شده درگرو عملیاتی سازی مؤثر آن ها توسط دستگاه های اجرایی ذی ربط است. به بیان دیگر، فاصله میان تصویب و اجرا، همچنان به عنوان یکی از چالش های اساسی در اثربخشی سیاست های حمایتی مطرح بوده و در صورت عدم پیاده سازی دقیق می تواند منجر به کاهش کارایی و تحقق نیافتن اهداف مورد نظر گردد.

در تکمیل چارچوب حمایتی و به منظور تقویت ضمانت اجرای مصوبات، شایان ذکر است که پیش تر دادستان کل کشور طی مکاتبه ای رسمی به دادستان های عمومی و انقلاب سراسر کشور به تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۴، بر این نکته

تأکید کرده است که کشور در شرایط جنگ اقتصادی تحمیلی قرار دارد و در چنین وضعیتی، صیانت از حقوق عمومی، ضرورت حفظ توان تولید و حمایت از تداوم فعالیت و اشتغال، مستلزم همکاری مؤثر مراجع قضایی با ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و کارگروه های ذی ربط است. در این مکاتبه همچنین تصریح شده است که در مواردی که به دلیل عدم اجرای مصوبات توسط مراجع ذی مدخل، ستاد مذکور اقدام به طرح شکایت کند، دادستان های سراسر کشور با رعایت قوانین و مقررات، ترتیبی اتخاذ نمایند تا فرایندهای رسیدگی، تعقیب و اتخاذ تصمیمات قضایی با سرعت و دقت لازم انجام پذیرد. این رویکرد، بیانگر تلاش برای ایجاد هم افزایی میان نهادهای اجرایی و قضایی در راستای تضمین اجرای مؤثر سیاست های حمایتی و کاهش شکاف میان تصویب و اجرا است. در جمع بندی نهایی، با توجه به ابعاد و شدت بحران های ایجاد شده، ضروری است دولت در طراحی و اجرای بسته های حمایتی، رویکردی تفکیکی و هدفمند اتخاذ نماید؛ به بیان دیگر، **سیاست های حمایتی باید به طور همزمان دو گروه متمایز را پوشش دهد: نخست، واحدهای تولیدی آسیب دیده از جنگ که متحمل خسارات مستقیم یا غیرمستقیم شده اند و دوم، واحدهای تولیدی فعال که علی رغم تداوم فعالیت، تحت تأثیر اختلالات محیطی و ساختاری ناشی از شرایط جنگی قرار گرفته اند.** هر یک از این دو گروه واجد ویژگی ها و نیازهای متفاوتی است؛ به نحوی که برخی بنگاه ها با آسیب های کلی و عمیق (از جمله توقف یا اختلال جدی در تولید) مواجه شده اند، در حالی که گروهی دیگر عمدتاً دچار آسیب های جزئی تر اما مستمر، بویژه در سطوح زنجیره تأمین، جریان نقدی و بازار فروش گردیده اند. از این رو، اتخاذ سیاست های فعلی نه تنها کارایی لازم را نخواهد داشت، بلکه می تواند منجر به تضعیف اثربخشی مداخلات حمایتی شود. بر این اساس، طراحی ابزارهای تأمین مالی و حمایتی متناسب با شدت و نوع آسیب پذیری بنگاه ها، به عنوان یک ضرورت کلیدی در ارتقای تاب آوری بخش تولید و بازگشت تدریجی به شرایط باثبات اقتصادی تلقی می گردد.

